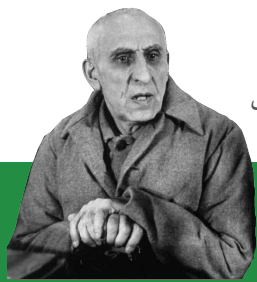


بازگشت به مردم

۵۶۲

« نمایندگان مجلس در گفت‌وگو با «آیت ماندگار» پیرامون مشکلات جاری کشور مطرح کردند:»



به بهانه سالروز کودتا علیه دولت دکتر محمد مصدق

۸ ننگ ۲۸ مرداد

Ayatmandegar
biweekly



نگاهی به فیلم «کار کثیف»

۶ خوش آغاز و بدفرجام

تحلیل هزینه‌های تازه بر بازار ارز



۷۶ محسن ملندکاری
روزنامه‌نگار



۷ علی اصغر سمیعی
کارشناس مسائل اقتصادی

آیت ماندگار

www.ayatmandegar.ir

دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی | شماره ۸۲ | نیمه دوم مرداد ۱۳۹۸ | سال پنجم | هشت صفحه | قیمت ۱۰۰۰ تومان | Political, Social | No.82 First of August 2019



مدرک دکترا

نگاهی به نارسایی سیستم آموزشی کشور

غول کنکور

۳۰۶

آیا می‌توانیم واژگن را شکست خورده تلقی کنیم؟
مهدی مظفری
کارشناس مسائل بین‌المللی



نگاهی به نارسایی سیستم آموزشی کشور

غول کنکور

جهانگیر مصلی: نارسایی‌هایی که در سیستم آموزشی به صورت کلان و در خرده فرهنگ‌های اجتماعی به صورت جزئی وجود دارند، باعث شده است تا کنکور که قرار بوده صرفاً محکی برای سنجش افراد باشد، به غولی بدل شود که قربانیان آن نه فقط کنکوری‌ها که خانواده‌های آنان و کل سیستم آموزشی است.

پس از اعلام نتایج کنکور سراسری سال ۹۸، امسال بیش از همیشه حرف و حدیث‌ها و حواشی از باب بی‌عدالتی‌های آموزشی، تبعیض‌های موجود در نظام آموزش و پرورش، تمرکز امکانات در تهران، اهمیت کاذب آزمون کنکور و متعاقب آن برجسته شدن موسسات کنکوری و استرس‌هایی که بر روح و روان والدین و فرزندان در نتیجه آن حاصل می‌شود، مطرح است. عده‌ای دست روی ساختارهای کلان می‌گذارند و نظام آموزشی را به صورتی کلی مقصر این داستان می‌دانند؛ از سوی دیگر عده‌ای والدین و تب و تاب دکتر یا مهندس شدن و صرف آینده درخشان فرزندان در این مسیر را (به عنوان مسیر محتوم خوشبختی) به عنوان عاملی کلیدی در این وضعیت دخیل می‌دانند.

آنچه مسلم است این است که استمرار این شیوه نه به نفع افراد و نه به نفع جامعه است چرا که پیامدهای منفی این داستان بسیار بیشتر و بزرگ‌تر از فوایدی است که ممکن است داشته باشند؛ استرس‌ها و مشکلات روانی‌ای که افراد در مقابله با این غول (کنکور) آن هم در سال‌های ابتدایی جوانی با آن مواجه می‌شوند تا سال‌های بعد هم می‌تواند زندگی‌شان را دچار مشکل کند. از سوی دیگر، مراکز و موسسات آمادگی کنکور به وزنه‌های تعیین‌کننده‌ای بدل شده‌اند که امروز حتی به سیستم آموزشی جهت



مشکل عمده‌ای که در کشور ما وجود دارد این است که زیرساخت‌های فرهنگی و ذهنیت پدر و مادرهای ما به گونه‌ای ساخته شده است که انگار راه رستگاری فرزندان حتماً باید از کنکور بگذرد؛ در حالی که ضرورتی ندارد که کسی که دوره متوسطه دوم را تمام می‌کند، حتماً باید آزمون کنکور را

بدهد و از این طریق بخواهد شغلی برای آینده داشته باشد.

این مساله فرهنگی و ذهنیتی که پدر و مادرها دارند، فضا را برای یک‌سری از موسسات باز می‌کند که وعده‌های آن چنانی دهند (مهارت تست‌زنی را یاد می‌دهند و...)؛ وعده‌هایی که می‌توانند بچه‌های ما را از این سد کنکور

می‌دهند و تولیداتشان بعضاً مقدم بر منابع آموزش رسمی قرار گرفته و این جریان علاوه بر مزیت اقتصادی و درآمد کلان، قدرت تعیین‌کنندگی و اثرگذاری در جامعه را نیز به آنان اعطا کرده است.

ساده اما پیچیده

«رمضان برخوردار» استادیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی در توضیح جریان کنکور و پیامدهای آن برای جامعه در گفت‌وگو با پژوهشگر ایرنا بیان داشت: بحث کنکور اگرچه در ظاهر آزمونی است که شرکت‌کنندگانی برای ورود به دانشگاه دارد، اما مبحثی پیچیده است.

نمایندگان مجلس در گفت‌وگو با «آیت ماندگار» مطرح کردند؛

توسعه و تعمیق ساخت داخل، دشوار اما شدنی

و توسعه روبرو کند این است که بخش دولتی، بخش خصوصی را رقیب خود نداند. سال‌هاست که کشورهای پیشرفته به این نتیجه رسیده‌اند که حضور دولت در اقتصاد باید حداقلی باشد و این تصدی‌گری را در اختیار بخش خصوصی گذاشت. خوشبختانه در سال‌ها و ماه‌های اخیر حضور بخش دولتی در اقتصاد کم‌رنگ‌تر شده و فضا برای بخش خصوصی نسبت به سال‌های گذشته تا حدودی بیشتر مهیا شده است که البته انتظار داریم این رویکرد جدی‌تر پیگیری شود.

وی افزود: امروز وظیفه همه دولتمردان بهبود وضعیت معیشتی مردم است و اگر مدیری در این راستا از رسالت خود قصور کند باید از کار برکنار شود.

عضو فراکسیون امید مجلس اظهار داشت: چند هفته پیش، وزارت صمت روی به برگزاری نمایشگاه «فرصت‌های ساخت داخل و رونق تولید» آورد که من این اتفاق را یک گام در جهت حمایت از کالای ایرانی و تولیدکنندگان زحمتکش دیدم. حمایت از ساخت داخل و توسعه در این بخش با حرف عملیاتی نمی‌شود بلکه باید پای صحبت فعالان صنعت نشست و دید آن‌ها از چه مسائلی رنج می‌برند و سپس با یک برنامه‌ریزی هدفمند روی به راه‌حل این مشکلات آورد. علیرغم تلاش‌ها و نظارت‌هایی که در ماه‌های گذشته برای تخصیص ارز اعمال شد، اما هنوز بسیاری از تولیدکنندگان در تامین ارز خود برای واردات مواد اولیه مشکلاتی دارند که نیاز است دغدغه آن‌ها هر چه زودتر برطرف شود.

فیضی با تاکید بر اعتمادسازی در جامعه بیان کرد: برای اینکه میزانی از رضایت در جامعه ایجاد شود و بدبینی و بی‌اعتمادی مردم به مسئولان به حداقل برسد باید نگاه ویژه‌ای به تمام کسانی داشت که برای آبادانی کشور خود کوشش می‌کنند. تولیدکنندگان، شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌های زیادی در ایران مشغول فعالیت هستند و خیلی از این افراد اگر با حمایت‌های دولت روبرو شوند توانایی تحول در اقتصاد را دارند. اکنون با شرایط موجود ایران و تحریم‌های آمریکا و هم‌پیمانانش علیه ایران تنها باید به داشته‌های خود اتکا کنیم که با اطلاعاتی که در دست داریم متوجه شدیم که حضور شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها قوی و تاثیرگذارتر از قبل شده است.

وی در پایان خاطر نشان کرد: وزیر صمت در روز ملی صنعت و معدن گفتند: «کمک به افزایش تولید و صادرات صدرنشین فعالیت‌هاست».

برای ضربه زدن به اقتصاد ما استفاده خواهد کرد. بطور مثال باید یک بار برای همیشه فرآیند سرمایه‌گذاری در کشور تسهیل شود. اگر مدیران به سرمایه‌گذاران داخلی بها دهند و آن‌ها را باور کنند در بسیاری از حوزه‌ها به خودکفایی خواهیم رسید و دیگر دغدغه تحریم‌های ظالمانه‌ای که علیه ما وضع می‌شود را نداریم. از طرفی، باید درها را باز کرد و شرایط سرمایه‌گذاری را برای خارجی‌ها فراهم کرد. هرچه بوروکراسی‌ها پیچیده‌تر شود، دود آن به چشم اقتصاد خودمان خواهد رفت. از این رو اهمیت دارد که مجلس و دولت تعامل خود را بیشتر کنند تا قوانین زائد و دست و پاگیر حذف شوند.

بخش دولتی نباید رقیب بخش خصوصی باشد

محمد فیضی نماینده اردبیل درباره راهکارهای رشد و توسعه اقتصاد ایران، گفت: یکی از مهمترین کارهایی که می‌تواند اقتصاد ایران را با رشد

تلاش برای رونق تولید و اجرای منویات رهبر معظم انقلاب برای حمایت از تولید، موضوعی است که باید سرلوحه همه دستگاه‌ها قرار بگیرد زیرا که پایبندی به این شعار راه نجات کشور از تلاطم‌های اقتصادی خواهد بود.

تحقق این شعار نیازمند رفع موانع تولید، بکارگیری هرچه بیشتر بخش خصوصی، نخبگان و دانشگاهیان است. از این رو به سراغ چند تن از نمایندگان مجلس دهم رفتیم تا نظرات آن‌ها را در این باره جویا شویم.

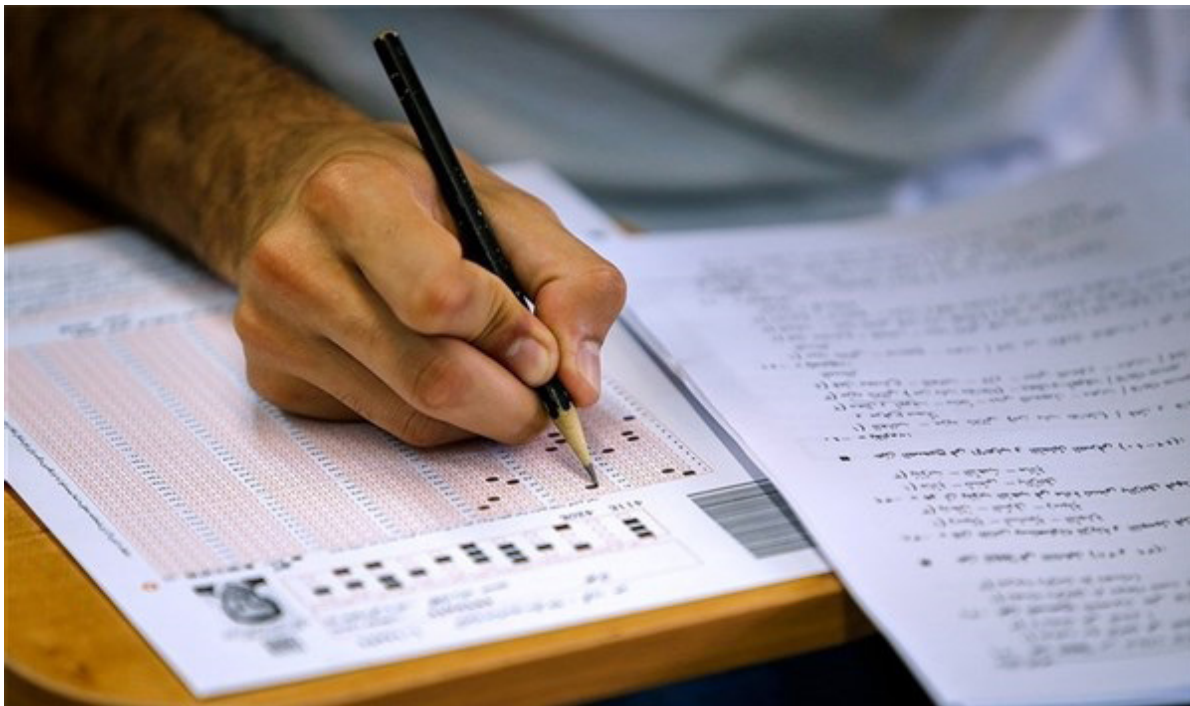
باید سرمایه‌گذاری در کشور را تسهیل کرد

قاسم ساعدی نماینده دشت‌آزادگان و هویزه در خصوص اینکه چه باید کرد که رونق تولید اتفاق بیفتد، گفت: برای اینکه صنعت ایران رشد و به تبع آن صادرات ما افزایش پیدا کند و به مرور زمان اوضاع و احوال اقتصادی کشور بهتر شود، چاره‌ای نداریم جز اینکه روی به برنامه‌ریزی دقیق و منطقی در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت بیاوریم.

وی افزود: هرچند که مدیران وزارت صمت و اقتصاد تا حدی این موضوع را در دستور کار قرار دادند اما با توجه به حساسیت‌های حاکم بر کشور لازم و ضروری است که این تصمیمات و اجرای آن، سرعت بیشتری به خود بگیرد. ما وقتی می‌گوییم باید برنامه کوتاه‌مدت داشته باشیم به خاطر این است که در یک بازه زمانی کوتاه بتوانیم تا حدی وضعیت معیشتی مردم را بهبود بخشیم. زمانی که می‌گوییم باید برنامه میان‌مدت داشت از این بابت است که مردم به عنوان مصرف‌کننده و تولیدکنندگان توانایی برنامه‌ریزی برای آینده خود را داشته باشند و در نهایت باید برنامه‌ریزی بلندمدت داشت زیرا براساس برنامه ششم توسعه باید در بسیاری از حوزه‌ها در منطقه و جهان حرف برای گفتن داشته باشیم.

این نماینده استان خوزستان تصریح کرد: هرچند تحریم‌های اقتصادی بر علیه ایران سخت و سنگین بوده و کار مدیریت کشور را با چالش روبرو کرده اما نباید زمان را از دست دهیم زیرا دشمن از هر فرصتی





عبور بدهند و به موفقیتی که ترسیم کرده‌اند، برسند. در نتیجه کنکور در ذهن والدین برجسته شده و دست به دامان موسساتی می‌شوند که بتوانند این راه را تسهیل کنند.

وی افزود: از طرف دیگر به نظر می‌رسد خود آموزش و پرورش هم عزمی برای مقابله با بازار مکاره‌ای که تحت عنوان موسسات آموزشی مختلف، تقویتی و آمادگی کنکور (که حتی به دوره‌های پیش از دبستان هم تسری پیدا کرده است) فعالیت می‌کنند، ندارد؛ یعنی بچه‌های ما در پیش از دبستان از کتاب‌هایی اسم می‌برند که فلان برند کنکوری منتشر کرده است. چه ضرورتی دارد که ما به جای آموزش مهارت‌های اولیه زندگی، بچه‌ها را با کتاب‌های متفرقه‌ای که هیچ زمینه مهارتی‌ای ندارند، اشباع کنیم؟ این در حالی است که تمرکز بسیاری از نظام‌های آموزشی موفق در دوره پیش از دبستان و دبستان، روی مهارت‌آموزی است؛ چیزی که ما نداریم.

این استاد دانشگاه در ادامه و در اشاره به سیستم‌های آموزشی سایر کشورها بیان داشت: شما سیستم آموزش و پرورش ژاپن را اگر نگاه کنید در دوره ابتدایی، اساساً هیچ‌گونه تأکیدی بر روی معلومات و اطلاعات ندارند. معلومات به حداقل کاهش پیدا کرده است و تأکید روی ایجاد منش است؛ یعنی مهارت‌هایی می‌آموزند که بچه‌ها تعاملات اجتماعی داشته باشند، همکاری کنند، مهارت فردی به دست بیاورند و تمام تمرکز در دوره ابتدایی باید این باشد؛ ولی متأسفانه با موجی که این موسسات در ایران درست کرده‌اند و به پیش از دبستان و دبستان هم تسری یافته، مشکلات تعلیم و تربیت ما در آینده مضاعف خواهد شد؛ یعنی دوباره همان چرخه اطلاعات و کتاب‌های کنکور و... در بازار باب می‌شود و ما شاهد خروج فرزندانمان از سیستم تعلیم و تربیتی هستیم که هیچ مهارتی ندارند و اطلاعاتی دارند که به درد زندگی‌شان نمی‌خورد. من یادم است که بیش از ۲۰ سال است که آموزش و پرورش ادعای برداشتن کنکور و اعمال شیوه‌های جدیدتری در سیستم آموزشی را دارد اما عملاً هیچ کاری نکرده‌اند و در این ۳۷ سال فقط حرف آن بوده و بیشتر جنبه تبلیغاتی داشته است؛ و البته واقعاً نیاز داریم آموزش و پرورش قدمی جدی برای این موضوع بردارد تا فرزندان ما کمتر آسیب ببینند.

تمرکززدایی چاره‌ای احتمالی

برخوردری در پاسخ به این سوال که چرا آموزش و پرورش در راستای

تبدیل به یک برند آموزشی کرده‌اند و علی‌رغم اینکه از نظر قانونی تخلف است که این کتاب‌ها در مدارس آموزش داده شوند ولی عملاً این منابع آموزش داده می‌شوند و در بسیاری از مدارس خود والدین این را می‌خواهند (به دلیل همان ذهنیت نادرست)؛ چنانچه اگر در مدرسه‌ای مدیر یا معلمی نخواهد از این منابع استفاده کند، والدین در اثر این تبلیغات وسیعی که توسط کمپانی‌های کنکور شکل گرفته است، بچه‌هایشان را جایی می‌گذارند که این شیوه اعمال شود؛ و اولین سوالی که از مدیران یا معلمان می‌پرسند این است که کتاب‌های فلان برند را کار می‌کنید؟ و اگر کار نکنند فرزندان‌شان را می‌برند و در مدرسه‌ای دیگر ثبت‌نام می‌کنند. این عوامل، مانند حلقه‌های به هم پیوسته‌ای هستند که باعث می‌شوند که صنعت کنکور با قدرت هرچه بیشتر به حیات خود ادامه دهد.

تغییر این وضعیت عزمی ندارد، تبیین کرد: مشکلی اصلی آموزش و پرورش ما این است که به صورت متمرکز سیاست‌گذاری می‌کند، یعنی اختیاراتی به مناطق مختلف، نواحی و استان‌ها داده نشده است که از توانمندی‌های ویژه و خاص خودشان استفاده کنند. این متمرکز بودن آموزش و پرورش و سیاست‌گذاری‌هایش خود مانعی است چراکه همه تصمیمات از یک وزارتخانه صادر می‌شود و در دورافتاده‌ترین روستاها هم باید همان ابلاغیه اعمال و اجرا شود. این تمرکز باعث می‌شود تا نظارت دقیق به حداقل ممکن کاهش پیدا کند.

وی افزود: موسساتی که در کار کنکور هستند کتاب‌هایشان در مقاطع مختلف آمده است و با وصف اینکه معلمان می‌دانند که به لحاظ قانونی تدریس این منابع، منع قانونی دارند اما چون این موسسات خودشان را

افزایش تولید و صادرات در گرو اراده مسئولان تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز است و پیش از هر موضوعی باید دست رانت‌خواران را کوتاه کرد تا در یک فضای سالم اقتصادی این اتفاق به واقعیت تبدیل شود.

قوانین دست و پاگیر انگیزه تولید را کاهش داده است

هدایت... خادمی با اشاره به سابقه ۳۱ ساله خود در صنعت، گفت: متأسفانه در این دهه‌ها حمایت از ساخت داخل آن‌طور که باید و شاید صورت نگرفت. یکی از مشکلات پیش‌رو در جهت رونق تولید، حضور افرادی است که به کار آشنایی ندارند. شعار حمایت از کالای ساخت داخل به امروز و دیروز بر نمی‌گردد و تنها بواسطه تحریم‌ها بیش از پیش مطرح شده و برای اینکه این شعار مهم و کلیدی تحقق پیدا کند باید فساد موجود در سیستم دولتی را به حداقل رساند.

وی افزود: متأسفانه برخی قوانین دست و پاگیر، انگیزه تولیدکنندگان داخلی را کاهش داده و یکی از اصلی‌ترین کارها، تسهیل قوانین برای سرمایه‌گذاری است؛ ما در مجلس این آمادگی را داریم که هرگونه همکاری را با دولت داشته باشیم کما اینکه این موضوع را در گذشته هم نشان دادیم.

عضو کمیسیون انرژی مجلس تصریح کرد: برخی می‌گویند پیشرفت و رونق تولید در گرو حضور پررنگ بخش خصوصی در اقتصاد است. اینکه بخش دولتی باید از اقتصاد کنار برود و بخش خصوصی حضور جدی‌تر پیدا کند، کشف جدیدی نیست و تجربه دهه‌های گذشته کشورهای صاحب اقتصاد است. در عین حال، از هر جا جلوی ضرر گرفته شود، منفعت است و امید دارم بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران داخلی با کمک و حمایت دولت، نقش بسزایی را در اقتصاد ایفا کنند.

خادمی در پایان یادآور شد: حمایت از ساخت داخل و رونق تولید یک وظیفه ملی است. در این راستا رسانه‌ها و مخصوصاً صدا و سیما هم، دارای نقش و تاثیر هستند. اگر رسانه‌ها برای فرهنگ‌سازی و تبلیغ کالای ایرانی زمان بگذارند و کار مطالعاتی انجام دهند، بدون شک حرکت در جهت پیشرفت اقتصاد، سرعت چشمگیری پیدا خواهد کرد.



۲۷ مرداد **سارک‌باد**

بانک رفاه کارگران

پنجاه و نهمین سالروز تأسیس

۱۳۹۸ - ۱۳۳۹

۵۹ سال تلاش مستمر برای ارائه خدمات روزآمد بانکی و ایفای مسئولیت‌های اجتماعی

www.refah-bank.ir

[bankrefahkargaran](#)

مرکز فراد: ۰۲۱-۸۵۲۵

بانک رفاه کارگران



نمایندگان مجلس در گفتگو با «آیت ماندگار» پیرامون مشکلات جاری کشور مطرح کردند؛

بازگشت به مردم



علی شاملو
خبرنگار مجلس

بالا گرفتن تنش میان ایران و آمریکا، دیپلماسی و تلاش‌های دولت تدبیر و امید را که طی چند سال اخیر انجام شده بود، به کما برد. تلاش‌هایی که برای دور کردن ایران و منطقه از جنگ و تنش صورت گرفت بود، اکنون رنگ باخته و مردمی که منتظر تحولات جدی در روابط سیاسی و اقتصادی ایران با دیگر کشورها بودند، حال به فکر فرو رفته‌اند که آینده چگونه رقم خواهد خورد؟

همین امر ما را بر آن داشت تا گفت‌وگویی کوتاه با چند تن از نمایندگان مجلس داشته باشیم تا از نقطه نظرات آن‌ها درباره نقش مجلس و نمایندگان برای دوری سایه جنگ از کشور را جويا شویم که چکیده‌ای از آن را می‌خوانید.

جنگ آمریکا با ایران جنگ اقتصادی است

سیدحسین نقوی‌حسینی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم در پاسخ به این پرسش که امروز با وجود بالا گرفتن تنش میان ایران و آمریکا، نقش نمایندگان مجلس برای دور کردن سایه جنگ از ایران چیست؟ گفت: تنش آمریکایی‌ها با ایران به جنگ منتهی نمی‌شود به طوری که حتی آمریکا یک گلوله هم به طرف ایران شلیک نخواهد کرد. جنگ آمریکا با ایران جنگ اقتصادی است و مجلس هم در حوزه قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای قانون نقش مهمی دارد.

وی افزود: شرایط موجود حاصل دو پدیده است. در ابتدا جبهه مقابل ما، ترامپ و ایالات متحده آمریکا است که همه معادلات را برهم زده‌اند. در وهله دوم، پدیده داخلی است. بدین معنا که در داخل کشور امیدواری بیش از حد به توافق و تعهدات فی مابین وجود داشت. نقوی اضافه کرد: دولت بر این تصور است که مشکل کشور، اقتصادی است و بازگشایی این گره تنها در عرصه بین‌المللی میسر است. به همین دلیل است که برای بازگشایی این گره سیاسی در عرصه بین‌المللی همه تلاش خود را به کار گرفت تا مشکلات به وجود آمده حل شود.

عضو فراکسیون ولایی مجلس در ادامه عنوان کرد: در کمیسیون امنیت ملی، زمانی که با وزیر امور خارجه بحث و گفت‌وگو می‌کردیم، به این مهم دست پیدا کردیم که همه چیز، اروپا، آمریکا و برجام نیست و باید عراق، ترکیه و پاکستان و... را هم دریابیم. اکنون دوستان متوجه شده‌اند که باید به همسایگان هم، توجه کرد. اینکه وزیر می‌گوید من از چینی‌ها متنفرم، درست نیست زیرا که در ۴۰ سال گذشته، چین به‌عنوان یکی از شرکای سنتی ما فعالیت می‌کرده است.

نمایند ورامین در مجلس دهم در پاسخ به این سوال که برای مقابله با

هر تصمیمی می‌تواند بگیرد. هر جا هم که نیاز باشد مجلس ورود پیدا می‌کند و به دولت کمک می‌دهد. باید توجه کرد که مجلس نمی‌خواهد تمامی تقصیرها را به گردن دولت بیاندازد، اما دولت باید مدیریت کند تا تحریم‌ها آثار منفی بر جای نگذارد. ما چاره‌ای نداریم جز اینکه محکم در مقابل آمریکایی‌ها ایستادگی کنیم؛ اظهار عجز نزد ستم پیشه ابله‌بخت / اشک کباب موجب طغیان آتش است

نباید از فراندوم بترسیم

شهاب‌الدین بی‌مقدار، نماینده تبریز درباره بالا گرفتن تنش میان ایران و آمریکا و نقش نمایندگان مجلس برای دور کردن سایه جنگ از ایران، گفت: متأسفانه آمریکا پس از خروج از برجام روی به بی‌اخلاقی آورده و همین موضوع، تنش‌ها را بالا برده است. از طرفی، انسجام نمایندگان مجلس می‌تواند نقش مهمی در ثبات کشور داشته باشد که متأسفانه این انسجام خیلی در بین نمایندگان دیده نمی‌شود.

عضو حزب اراده ملت افزود: نظرخواهی از مردم یعنی به اجرا درآوردن اصل ۵۹ قانون اساسی که همان فراندوم است. قانون اساسی مسیر را مشخص کرده و آن مسیر، نظرخواهی از مردم است. ما باید نظر مردم را در خصوص مسائل مهم کشور بدانیم.

عضو فراکسیون امید عنوان کرد: به نظر من باید شرایط مذاکره و مقاومت را برای مردم تشریح کرده و در این زمینه فراندوم برگزار کنیم. سپس براساس رای ملت تصمیم بگیریم که با طرف مقابل مذاکره کنیم یا نه. اگر رای ملت بر مذاکره بود، امتیازات دو طرف را مشخص کرده و در شرایط برد - برد مذاکره کنیم. اگر بنا به مذاکره نباشد باید شرایط و اینکه قرار است چه کنیم را دقیق و شفاف به مردم اطلاع دهیم.

نمایند تبریز تصریح کرد: امروز تحریم‌ها فشار بسیاری به مردم وارد کرده است و این فشارها هر روز هم بیشتر می‌شود به طوری که به معیشت مردم ضربه زده است. همه مسئولان امر، فقط شعار می‌دهند و کسی کار اساسی انجام نمی‌دهد. بسیاری از کارخانه‌ها با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند و بسیاری از کارگران آن‌ها بیکار شده‌اند و خیلی از کارهای خدماتی تعطیل شده است که برخی از آن‌ها به تحریم مربوط نمی‌شود، بلکه علت آن تنها ندانم‌کاری است.

عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس دهم اضافه کرد: باید با مردم صادق باشیم و واقعیت‌ها را به آن‌ها بازگو کنیم و فکر نکنیم چیزی محرمانه می‌ماند.

بی‌مقدار تاکید کرد: نباید از فراندوم بترسیم و اگر در فراندوم، مردم به مقاومت رای دادند طرف مقابل می‌فهمد که با یک ملت منسجم و معتقد به شهادت و مبارزه ۸۰ میلیونی طرف است، بنابراین تسلیم می‌شود. از این‌رو هرچه مردم در فراندوم نظر دادند را باید بپذیریم.

عضو فراکسیون امید در مجلس دهم در پاسخ به این سوال که فارغ از پدیده ترامپ و با توجه به خواسته مردم برای برقراری اعتدال و روابط با جامعه جهانی، چه موانع داخلی پیش‌روی دولت و دیگر نهادها وجود دارد که شرایط کشور این چنین شده است؟ عنوان کرد: بعد از برجام، اختیارات رسمی دولت کم شد و امروز دولت در سایه، تصمیماتی می‌گیرد و عمل می‌کند. گاهی نیز خودسرانه عمل می‌کند که نمونه آن اشغال سفارت عربستان بود که دردسر بزرگی برای کشور درست کرد. اشخاص یا نهادهای دیگر نیز در سیاست خارجی به گونه‌ای نظر می‌دهند که انگار نظر رسمی دولت است.

وی اظهار داشت: تعیین کلیت سیاست خارجی با مقام معظم رهبری است. پس از ایشان باید رییس‌جمهور و وزیر خارجه مسئول باشند و لاغیر. بقیه افراد در این زمینه تنها می‌توانند به آن‌ها کمک کنند و حرفی هم که در این مورد می‌گویند باید از کانال این افراد باشد. سخنگوی سیاست خارجی و اعلام مواضع رسمی سیاست خارجی کشور همانند تمام دنیا باید با وزارت خارجه باشد.

نمایند تبریز در پاسخ به این سوال که برای مقابله با اقدامات ترامپ و هم‌پیمانانش چه راهکاری دارید تا مردم ایران هزینه کمتری بپردازند؟ عنوان کرد: در وهله اول باید انسجام داخلی ایجاد کرد و از همه اقشار خواست که برای آبادانی کشور پای کار بیایند. در وهله دوم به‌نظر بهتر است که حصر برداشته شود، زیرا این اتفاق کمک زیادی به انسجام همه نیروهای انقلاب خواهد کرد. در نهایت، همه گروه‌های سیاسی باید با هم، متحد شوند و منافع ملی را فدای منافع گروهی نکنند. اگر این سه کار به درستی انجام شود به نوعی شاهد بازسازی اعتمادی خواهیم بود که در سال‌های گذشته آسیب جدی دیده است.

بی‌مقدار گفت: نمی‌شود ما نمایندگان و مقامات کشور، راحت و آسوده باشیم، صبحانه، ناهار و شام خود را بخوریم و چرخ زندگی‌مان بچرخد، اما مردم در سختی باشند و مرتباً آن‌ها را دعوت به صبر و قناعت کنیم.

اقدامات ترامپ و هم‌پیمانانش چه راهکاری دارید تا مردم ایران هزینه کمتری بپردازند؟ گفت: آمریکایی‌ها هدفشان سفره مردم است که چند راهکار برای مقابله با این اقدام باید صورت گیرد. اول اینکه وحدت ملی بین همه ارکان، ارگان‌ها و گروه‌های سیاسی برای مقابله با این مهم به‌وجود آید، چراکه امروز روز انتقام‌گیری و تنش نیست، امروز روز وحدت، اتحاد و انسجام است. نکته دومی که باید به آن توجه کرد، برنامه‌ریزی و همت برای پر کردن سفره مردم است. نباید فراموش کنیم که دشمن می‌خواهد سفره مردم خالی شود، بنابراین عقل حکم می‌کند خلاف مسیر دشمن حرکت کنیم و نباید بگذاریم سفره مردم خالی شود. نام‌گذاری سال جاری به نام سال رونق تولید توسط مقام معظم رهبری، هدف‌گذاری درستی است و باید در این راستا تمامی تلاش خود را به کار بگیریم تا تولید، رونق یابد زیرا با رونق تولید، اشتغال ایجاد می‌شود و سفره مردم خالی نمی‌ماند. از طرفی، این تحرک باعث گردش سرمایه و ارزش افزوده نیز می‌شود.

دولت باید بودجه جدیدی را به مجلس ارائه دهد

محمود بهمنی، نماینده طالقان و ساوجبلاغ در خصوص تنش میان ایران و آمریکا گفت: کشور ما بدتر از این موارد را تجربه کرده است. در سال‌های ۸۹ تا ۹۱ که مسئول خزانه کشور بودم، اعلام کردند گزینه نظامی روی میز است و من مسئول، باید فکر می‌کردم که اگر گزینه نظامی اتفاق افتاد چه اقداماتی را باید انجام دهم. امروز کشور ما را تحریم می‌کنند ولی ما آن زمان براساس شرایط، خود را آماده کردیم. در حال حاضر باید بودجه تغییر پیدا کند و دولت می‌بایست بودجه جدیدی را به مجلس بیاورد. همچنین باید خیلی زود هزینه‌ها را کنترل کرد و از طریق صادرات غیرنفتی اوضاع و احوال اقتصادی را بهبود بخشید.

وی افزود: ما حدود ۹۰۰ هزار میلیارد تومان یارانه پیدا و پنهان داریم که باید آن‌ها را در درآمدهای دولت بیاوریم و بر این اساس برنامه‌ریزی کنیم.

عضو فراکسیون ولایی مجلس دهم ادامه داد: ما به جنگ اعتقاد نداریم. دولت و مردم ما اهل جنگ نیستند، اما طرف مقابل می‌خواهد از ما امتیاز بگیرد، بنابراین نباید به آن‌ها امتیاز دهیم. در این راستا باید آن‌ها را مدیریت کنیم و مانند گذشته، این دوران را پشت سر بگذاریم. از سوی دیگر، مجلس نیز باید نقش مهمی در مدیریت کردن اوضاع به عهده گیرد تا شرایط جنگ و بحران پیش نیاید.

رییس سابق بانک مرکزی در پایان خاطرنشان کرد: کشور ما رتبه اول دنیا در نفت و گاز را دارد. همچنین هفت درصد معادن دنیا در ایران است به همین دلیل چشم طمع زیاد است و می‌خواهند از امکانات و منابع ایران سود ببرند. امروز دولت هیچ مانعی بر سر راه خود ندارد و



مردم پای آن بایستند، مشکل حل می‌شود. به همین منظور باید از
رفراندوم‌های ساده و سوال از مردم نهایت استفاده را ببریم.
عضو فراکسیون امید در پایان گفت: این موارد، مطالبی است که اگر
را داشته باشیم.

عضو فراکسیون امید در پایان خاطرنشان کرد: باید به تجار و تولیدکنندگان اعتماد کنیم، نه اینکه به خیلی از آن‌ها، بدون دلیل برچسب دزد بزنیم. مدیران ارشد نظام باید درباره همه مسائل و به خصوص مسائل اقتصادی با مردم مشورت کنند تا در نهایت آن چیزی که مدنظر کارشناسان و مردم است، عملیاتی شود.

تنش‌زدایی و دیپلماسی، اولویت سه فراکسیون مجلس

قاسم میرزایی‌نیکو، نماینده دماوند و فیروزکوه در مجلس دهم در پاسخ به این سوال که امروز با وجود بالا گرفتن تنش میان ایران و آمریکا چه باید کرد؟ گفت: چون بنده نماینده مردم در خانه ملت هستم باید بگویم نمایندگان مجلس می‌توانند نقش ویژه‌ای را برای انتقال مطالب به مجموعه سران کشور و ارتباط پیوسته بین مردم و نظام بازی کنند. عضو فراکسیون امید عنوان کرد: همه به دنبال این هستند که جنگی بین ایران با آمریکا و هیچ کشور دیگری رخ ندهد. برای اطمینان، باید مولفه‌هایی که باعث می‌شود شرایط جنگی ایجاد شود را کاهش داد. یکی از این موارد، آگاه‌سازی و تحلیل واقعیت‌ها و چارچوب‌هایی است که می‌تواند با کمک دیپلماسی وزارت خارجه به وقوع بپیوندد.

وی افزود: نظرسنجی بین نمایندگان مجلس مبنی بر اینکه اولویت در مسائل کشور چیست به تنش‌زدایی و دیپلماسی و سیاست خارجی رسید. این نظرسنجی بیش از ۱۹۳ رأی داشت و اگر همین نظرسنجی را در نظر بگیریم، بسیاری از مسائل و محورها فارغ از قضیه شخصی مانند ترامپ قابل حل است. در این نظرسنجی از هر سه فراکسیون نظر خواهی شد که تنش‌زدایی و دیپلماسی نظر و رأی هر سه فراکسیون بود.

نماینده دماوند و فیروزکوه در مجلس دهم در پاسخ به این پرسش که برای مقابله با اقدامات ترامپ و هم‌پیمانانش چه راهکاری دارید؟ گفت: در وهله اول، همدلی، همبستگی و هماهنگی بین مردم و مسئولان را باید به وجود آوریم. در مرحله دوم سعی کنیم منابع داخلی خود را قدرتمندتر کنیم و از وابستگی به مسائل مختلف بکاهیم. در حال حاضر حدود ۷۰ درصد کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای نیاز به واردات دارد که باید این موارد را در گذشته در نظر می‌گرفتیم تا چنین مسائلی پیش نیاید. اما از امروز به بعد اگر بخواهیم تصمیمی بگیریم باید نظر مردم

تلنگر

احمد علیرضایی مطرح کرد:

کشورهای حوزه دریای خزر حق خود را از «روسیه» بگیرند نه «ایران»

مطالبات خود را از روسیه طلب کنند و این روسیه است که باید به رژیم حقوقی دریای خزر که در سال ۱۹۲۱ میلادی امضا شد، متعهد باشد.
منبع: جامعه ایرانی



رژیم حقوقی دریای کاسپین به امضای پنج کشور ساحلی روسیه، ترکمنستان، آذربایجان، قزاقستان و ایران رسید. همه کشورهای امضاکننده خود را برنده این کنوانسیون دانستند. حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، نورسلطان نظربایف، رئیس‌جمهوری قزاقستان، الهام علی‌اف، رئیس‌جمهوری آذربایجان و قربانقلی بردی محمدوف، رئیس‌جمهوری ترکمنستان در آق‌تاو قزاقستان این کنوانسیون را امضا کرده‌اند. در این خصوص، احمد علیرضایی نماینده تبریز در مجلس دهم با بیان اینکه زمانی که کشورهای حوزه دریای خزر پس از فروپاشی شوروی سابق تشکیل شدند باید سهم خود را از روسیه دریافت می‌کردند، افزود: کشور ما که از ابتدا با حدود مرزی معین، مشخص بوده و حدود مرزی کشور ایران دستخوش تغییر نشده که بخواهیم از سهم خود به سایر کشورها بخشیم.

وی به حضور وزیر امور خارجه در صحن علنی مجلس شورای اسلامی اشاره کرد و گفت: شویی که در صحن علنی مجلس اجرا شد تلاش برای این بود که از حق ۵۰ درصدی خود در دریای خزر گذشته و به ۲۰ درصد راضی باشیم و اگر سهم ۲۰ درصدی به ایران دادند، خوشحال باشیم و از دکتر ظریف تشکر کنیم که این کنوانسیون را امضا کردند. این عضو فراکسیون نمایندگان ولایی مجلس عنوان کرد: مشابه کنوانسیون خزر در قضیه برجام اتفاق افتاد. واقعیت تاریخی نشان داده است که دکتر ظریف قابلیت و توانایی لازم را برای تحقق حقوق ملت ایران نداشته و معامله‌گر خوبی نیست.

علیرضایی در پایان خاطرنشان کرد: مجلس نمی‌تواند بر سر موضوع تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران معامله کند. به شدت مخالف کنوانسیون دریای خزر هستم و معتقدم کشورهای حوزه دریای خزر باید

کشورهای حوزه دریای خزر حق خود را از «روسیه» بگیرند نه «ایران» وضعیت حقوقی کشتیرانی در دریای خزر به وسیله معاهدات ۱۲۰۷ شمسی (۱۸۲۸ میلادی)، با روسیه تزاری و در هشتم اسفند ۱۲۹۹ شمسی (۲۶ فوریه ۱۹۲۱ میلادی) و پانزدهم فروردین ۱۳۱۹ شمسی (پنجم آوریل ۱۹۴۰ میلادی) میان ایران و شوروی سابق، مشخص شده بود. بدین گونه که ایران بر اساس قرارداد ترکمنچای در سال ۱۲۰۷ شمسی (۱۸۲۸ میلادی) از داشتن نیروی دریایی و کشتیرانی در دریای خزر محروم شده بود.

با انقلاب کمونیستی ۱۹۱۷، لنین شخصاً معاهدات تزاری با ایران را لغو کرد که منجر به قرارداد ۱۹۲۱ بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی شد و دوباره ایران در حق کشتیرانی در دریای کاسپین شریک شد و مطابق عهدنامه مودت و دوستی (۱۳۰۰ / ۱۹۲۱)، به ایران و شوروی به تساوی حق کشتیرانی اعم از نظامی و غیر آن داده شده و در قرارداد بازرگانی و دریانوردی (۱۳۱۹ / ۱۹۴۰) جزئیات رژیم دریانوردی مشخص گردید. در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ روسیه با قزاقستان و سپس با آذربایجان پروتکل دو جانبه‌ای را امضا کرد که با وصل کردن دو سر نقاط ساحلی این دو کشور عملاً حدود ۲۷ درصد دریا سهم قزاقستان و حدود ۱۹ درصد دریا سهم روسیه می‌گردد. سهمی حدود ۱۸ درصد هم با همین فرمول برای آذربایجان در نظر گرفته شده و در واقع ۶۴ درصد بستر دریا را این سه کشور میان خود تقسیم کرده‌اند. سهم ایران در این فرمول تنها ۱۳ درصد در نظر گرفته شد، اما ایران و ترکمنستان این نوع تقسیم‌بندی دو جانبه را به رسمیت نپذیرفتند.

دقیقاً یک سال پیش و در تاریخ ۲۱ مرداد ۹۷ برابر با ۱۲ اوت ۲۰۱۸ میلادی پنجمین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای کاسپین در شهر آق‌تاو برگزار گردید. در پایان این نشست متن کامل کنوانسیون

مضحک‌ترین سوال مخالفان برجام

کمیلاً هم در تله افتاده و حتی دچار عذاب وجدان می‌شوند که چرا متن کامل را نخوانده‌اند، در حالی که برای دفاع از قطعنامه ۵۹۸ نیز، هیچ‌یک از طرفداران صلح و یا هواداران ادامه جنگ، متن آن را نخوانده‌اند چرا که برای دفاع یا نقد هر اقدامی، لزوماً نیازی به تفکر و تأمل کردن در جزئیات حقوقی نیست.

برای پایان دادن به طرح این سوال مضحک، شاید بد نباشد از پیاده نظام

خوانده‌اید که از آن دفاع می‌کنید؟» از نظر طراحان این مغالطه، پیش‌نیاز حمایت یا مخالفت با برجام، مطالعه دقیق ۱۵۹ صفحه متن کامل برجام و پنج ضمیمه آن است! و هیچ فردی بدون خواندن متن کامل، حق دفاع از برجام را ندارد (البته برای انتقاد از برجام، هیچ نیازی به خواندن و حتی اندکی فکر کردن هم نیست و تکرار مکرر یک سوال کفایت می‌کند).

تعجب من در انفعال برخی مصاحبه‌شوندگان در برابر این سوال انحرافی است

مضحک‌ترین سوالی که در اتاق فکر مخالفان برجام طراحی شده و توسط کارگزاران رسانه‌ای آن‌ها از طرفداران برجام پرسیده می‌شود و از فرط مضحک بودن، اتفاقاً در تخطئه استدلال برخی طرفداران برجام نزد «عوام» کارساز بوده، این پرسش انحرافی است که «یا شما متن کامل برجام را



محسن ماندگاری
روزنامه‌نگار

نگاهی به فیلم «کار کثیف»

خوش آغاز و بد فرجام



اخلاق‌مداری که در حقیقت نمودی بیرونی ندارند (چراکه در جهان واقعی لزوماً آدم‌ها در پایان تاوان رفتارشان را پس نمی‌دهند) باعث شده تا فیلم بیش از پیش تصنعی و غیرقابل پذیرش به نظر برسد و توصیه‌های اخلاقی گاه و بیگاهش بی‌اثر باشد.

«پدرام شریفی» بازیگر نقش فرهاد که تقریباً به‌تازگی مورد توجه سینما قرار گرفته (از سال ۱۳۹۲) و نقش‌هایی را از او بر پرده نقره‌ای دیده‌ایم یکی از ضعیف‌ترین بازی‌های خود را در این فیلم به نمایش گذاشته است؛ مردی مستاصل و به واقع فاقد قدرت درک و منطق که دائماً احساسی و در لحظه تصمیم می‌گیرد و عمل می‌کند و در برخی صحنه‌ها نسبت به امور به حدی خنثی است که مخاطب را کلافه می‌کند.

بر این اساس، کلیشه‌محوری و شعارزدگی را می‌توان دو ضعف عمده و برجسته فیلم «کار کثیف» عنوان کرد.

ضعف دیگر فیلم و داستان، ارائه شکل زمانی آن به صورت غیرخطی است. غیرخطی بودن شکل روایت در یک داستان (یعنی به جلو و عقب رفتن داستان در طول فیلم) به شرطی جذاب است که فیلم‌ساز وقتی آینده داستان را روایت می‌کند (و در واقع دست خودش را برای مخاطب رو می‌کند)، در بازگشت به گذشته، حرفی و نکته‌ای مهم و مکنون برای گفتن داشته باشد وگرنه اگر نتیجه را همان اول بازگو کند و در بازگشت به قبل هم لزوماً حرفی برای گفتن نداشته باشد، چه انگیزه‌ای برای دنبال کردن ادامه داستان باقی خواهد ماند؟ وقتی ما می‌دانیم که فرهاد به دلیل فروش مشروب فاسد تحت تعقیب پلیس است، چرا باید دوباره جز به جز این جریان را آن هم وقتی که هیچ نکته جدید یا اطلاعات تازه‌ای برای ما وجود ندارد ببینیم؟ جز این است که این شکل از روایت خسته‌کننده و دل‌زده به نظر می‌رسد؟

در نهایت اگرچه فیلم با یک صحنه مبهم و دلهره‌آور و مه‌آلود شروع می‌شود و بیننده را به تماشای فیلم ترغیب و وسوسه می‌کند، اما در ادامه مدام به سمت دل‌زدگی مخاطب پیش رفته و حتی برخی را پیش از پایان فیلم از صندلی‌ها بلند می‌کند.

«خشایار سنجری» منتقد، در نقد این فیلم نوشته است: «معصومی در کار کثیف سوژه‌های متفاوت و جذاب را برگزیده و با ترسیم مخاطره‌های زندگی یک ساقی نوشیدنی‌های الکلی، به زوایای پنهان روابط انسانی ورود کرده است. سال‌هاست روابط زناشویی و فرازونشیب‌های آن، مضمونی متواتر در سینمای ایران و جهان است، اما کار کثیف بُعد تازه‌ای از رابطه پیچیده و معماگون را هدف گرفته و بقای روابط زن و شوهری و فروپاشی آن را محور کارش قرار داده است. البته در انتهای پرده دوم تأکید بسیاری بر ترسیم جزئیات و افزایش عمق فاجعه می‌شود، به گونه‌ای که از حوصله مخاطب خارج است و زمان فیلم را طولانی‌تر از حد عادی می‌کند؛ موضوعی که البته در تدوین احتمالی فیلم و نسخه کران قابل رفع است.»

منبع: ایرنا



ساخته و به تصویر کشیده شده است. در حقیقت داستان فیلم در یکی از شهرهای شمالی ایران، آنکارا و استانبول ترکیه روایت می‌شود و مشکلات اقتصادی و بی‌پولی زوج جوانی که به‌رغم تحصیل کرده بودن، در معیشت زندگی مانده‌اند، بهانه‌ای می‌شود برای تصمیم به رفتن؛ البته در این حین مسائلی پیش می‌آید که بدل به گره‌های کور زندگی آنان می‌شود.

فرهاد که دانشجوی حقوق بوده (و بسیاری همچنان او را همین‌گونه می‌پندارند) و آرزوهای متعددی -همچون مهاجرت به آمریکا- را در سر می‌پروراند است حالا در معیشت خود مانده و برای خرج زندگی خود، همسر و فرزندش (نویسد)، به یک کار کثیف روی می‌آورد؛ و ساقی فروش مشروبات الکلی آن هم در پوشش یک پیک موتوری می‌شود. البته کثیفی کار، به همین‌جا منتهی نشده و پس از این که تولیدکننده مشروبات، با بازی مرحوم «لوون هفتوان»، ترکیبات آن را تغییر می‌دهد، باعث مرگ برخی مصرف‌کنندگان و برهم خوردن عروسی‌ای می‌شود که فرهاد این مشروبات را به دستشان رسانده است. در این میان اگرچه فرهاد به ترکیه متواری می‌شود اما تاوان کارهایش به دنبال او است؛ تاوانی که براساس فیلمنامه فیلم، هر جایی که رود باید آنان را پس بدهد. خسرو معصومی، کارگردان اثر را شاید بیش از باقی آثارش همگان با فیلم «پر پرواز» می‌شناسند. فیلمی که ۲۰ سال پیش و در دوران خودش درخشید و به دلیل بهره‌گیری از یک خواننده معروف در زمانش، نگاه‌ها را به سمت خود کشاند؛ معصومی عمدتاً نویسنده کارهایی است که کارگردانی کرده (کارهایی چون کارکثیف ۱۳۹۷، تابو ۱۳۹۳، خرس ۱۳۹۰، جایی در دور دست ۱۳۸۴، رسم عاشق‌کشی ۱۳۸۱ و...) و این موضوع البته یکی از انتقاداتی است که به این سبک فیلم‌ها (که بسیار رواج یافته‌اند) وارد است چراکه عملاً باعث حذف نقش و جایگاه فیلمنامه‌نویس در سینمای ایران شده است.

یکی از انتقاداتی که به درستی به فیلم وارد می‌شود این است که حرفی اضافه و جدیدتر بر حرف‌ها و ساخته‌های قبلی که درباره مهاجرت به خارج از ایران مطرح شده‌اند، ندارد و چیزی بر آنان نمی‌افزاید؛ ضمن این‌که به دلیل ضعف‌هایش حتی نسبت به برخی ساخته‌های قدیمی‌تر، در جایگاهی پایین‌تر قرار می‌گیرد.

بازی‌های ضعیف و فیلمنامه کم‌توان به اضافه پایان‌بندی به ظاهر

جدیدترین ساخته خسرو معصومی، فیلم «کار کثیف» که این روزها بر پرده اکران قرار گرفته، اگرچه دست روی یکی از به‌روزترین و دغدغه‌مندترین سوژه‌های جامعه (مهاجرت) گذاشته است اما آن‌چنان که باید توان پردازش و روایت داستان را ندارد.

سوژه فیلم، سوژه داغ و به‌روزی است؛ مساله مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور. مساله‌ای که با توجه به بحران‌های سیاسی، تحریم‌ها و کاهش فروش نفت و امثالهم، اعتماد اجتماعی و امید به زندگی در ایران را به شدت تحت‌الشعاع قرار داده و بسیاری از افراد را در سودای زندگی بهتر روانه خارج از ایران کرده است؛ مساله‌ای که البته بعضاً و به دلیل دست به عمل زدن احساسی و برخی اوقات غیرقانونی این افراد و شکل مهاجرت آنان، نتیجه معکوس داشته و زندگی آنان را بدل به جهنم می‌سازد.

یکی از مقاصد اصلی و موقت مهاجران در سال‌های اخیر، کشور ترکیه بوده است؛ کشوری همسایه که مزایای بالقوه زیادی برای مهاجرین دارد: نزدیکی جغرافیایی و فرهنگی و برای برخی حتی نزدیکی زبانی، از طرفی اروپایی بودن این کشور و توسعه‌یافتگی آن، عدم نیاز به ویزا یا اجازه ورود (برای کسانی که دنبال مراجعه به سفارت کشور موردنظرشان هستند) و از سوی دیگر پذیرش این کشور نسب به ایرانیان از جمله جذابیت‌های ترکیه به‌عنوان مقصد مهاجرت برخی ایرانیان است.

براساس یکی از جدیدترین آمار منتشر شده، شهروندان ایرانی در شش ماه گذشته دو هزار و ۲۰۲ ملک به ارزش ۵۵۰ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار در ترکیه خریداری کرده‌اند و این ارقام نشان می‌دهد، مهاجرت ایرانی‌ها به ترکیه ۱۵۰ درصد افزایش یافته است؛ چنان‌چه ایرنا درباره اقبال ایرانی‌ها به خرید ملک در ترکیه نیز گزارش داد: «بررسی گزارش موسسه آمار ترکیه نیز نشان می‌دهد که ایرانی‌ها از ماه ژانویه تا می ۲۰۱۸، ۷۱۶ ملک در ترکیه خریداری کردند اما در همین بازه زمانی پنج ماهه در سال ۲۰۱۹، دو هزار و ۲۰۲ خانه خریداری کرده‌اند. آمارهای قبلی ترک‌استات نیز نشان می‌داد که تنها در ماه آوریل، ایرانی‌ها ۳۳۲ خانه در ترکیه خریداری کردند. با این حساب، تنها در یک ماه ۸۶ میلیون دلار ارز از طرف ایرانی‌ها صرف خرید املاک ترکیه شده است.»

بر این اساس داستان فیلم که تقلای مهاجرت است و اتفاقاً ترکیه را به تصویر می‌کشد، داستان روز جامعه ما است. نیمی از فیلم در ترکیه



رسانه‌های مخالفان برجام پرسید شما که از قرآن ستایش می‌کنید آیا متن ۶۲۳۶ آیه آن را خوانده‌اید؟ یا شما که از کتاب آیات شیطانی انتقاد می‌کنید آیا متن کامل کتاب را خوانده‌اید؟
حتی امام خمینی هم که حکم ارتداد رشدی را صادر کرد، کتاب آیات شیطانی را نخوانده و به استناد گزارش‌های مستند دریافتی، تصمیم‌گیری کرده بود؟
لطفاً این متن را دست به دست کنید تا به مسئولانی برسد که رودروی خبرنگاران کاربلد(!) می‌نشینند و به تله سوال انحرافی آن‌ها می‌افتند و این توهم را در برخی خبرنگاران ایجاد می‌کنند که «خوب طرفداران برجام را تخطئه کردیم!»

تخصص

تحمیل هزینه‌های تازه بر بازار ارز

لطفاً رانت ندهد، زیرا در این صورت، متقاضیان غیرصراف و احیاناً رانت‌خواران خودشان پراکنده می‌شوند و این باعث سلامت و نظافت بازار، خواهد شد.

و هرچه سخت‌گیری بیشتر باشد، حضور آدم‌های عادی کمتر می‌شود، یعنی کاسب معمولی برایش صرف نمی‌کند که تن به این مقررات سخت بدهد، ولی کسانی که به مسائل دیگر فکر می‌کنند، به هر شرایطی هرچند که بسیار سخت‌گیرانه هم باشد، تن می‌دهند، برای اینکه هدف آن‌ها کاسبی عادی نیست، بلکه برخی به طمع رانت و برخی به قصد کلاهبرداری و خوردن مال مردم و برخی هم برای اینکه اصطلاحاً برای خود پرستیژ مصنوعی ایجاد کنند، همه هزینه‌های تحمیلی را قبول می‌کنند.

هرچه گرفتن مجوز رسمی و کار قانونی آسان‌تر باشد، دست مردم برای انتخاب صرافی برای انجام کارشان بازتر و احتمال اجحاف و ستم و صدمه به آن‌ها کمتر می‌شود.



تومان اضافه شود این به معنای حدوداً یک میلیون دلار است، چون صرافان عادت ندارند سرمایه خود را به تومان نگهداری کنند و برای تبادل سرمایه جدید به دلار به بازار مراجعه می‌کنند و اگر فرض کنیم همین ۷۰۰ تا صرافی فعلی و مثلاً فقط ۳۰۰ صرافی جدید به بازار مراجعه کنند که نفری یک میلیون دلار تهیه کنند، خود این یعنی یک تقاضای یک میلیارد دلاری جدید برای بازار و البته اسیر شدن یک میلیارد دلار جدید در گاو صندوق‌های صرافان.

اثر دیگر این تصمیم که از همه مهم‌تر است اینکه تعداد زیادی از صرافان چون قادر به تطبیق خود با شرایط جدید و افزایش سرمایه نیستند و نمی‌خواهند شغل خود را هم تغییر دهند، تبدیل به صرافان غیرمجاز می‌شوند و به خیل صرافان غیرمجاز دیگر افزوده می‌شوند و این یعنی نبودن آن‌ها زیر نظارت بانک مرکزی و ندانن مالیات و احتمال صدمه زدن به مردم و به خطر انداختن پول مردم و صدمات دیگری که ممکن است از صرافان خارج از نظارت به جامعه تحمیل شود.

بار دیگر تاکید می‌کنم مقررات هرچه ساده‌تر باشد جذابیت آن برای این که عده بیشتری خود را تحت نظارت بانک مرکزی قرار دهند بیشتر می‌شود. هرچه تعداد صرافان مجاز بیشتر باشد عرصه به عناصر غیررسمی در بازار تنگ‌تر می‌شود و این باعث تشویق آن‌ها به علاقه‌مندی به گرفتن مجوز و کار قانونی می‌شود. بانک مرکزی هم با شرایط آسان به هرکسی می‌خواهد جواز صرافی بدهد ولی فقط

آخری شنیده می‌شود که بانک مرکزی مقررات سختی را برای تاسیس صرافی وضع کرده و متقاضیان تاسیس صرافی مجبورند، در تهران و شهرهای بزرگ ۱۲ میلیارد تومان را برای مدتی فریز کنند تا بتوانند جواز احداث صرافی را دریافت کنند.

علاوه بر آن به صرافان قدیمی هم اعلام شده که تا سال ۱۴۰۰ یعنی کمتر از دو سال دیگر می‌باید صرافی خود را با مقررات جدید تطبیق دهند، یعنی حداقل سرمایه برای تهران و شهرستان‌های بزرگ، ۱۲ میلیارد تومان و شهرستان‌های کوچک نصف آن، یعنی شش میلیارد تومان. این برای بار دوم است که در این دهه، صرافان را مجبور به افزایش سرمایه و سپردن ضمانت‌نامه می‌کنند، شاید برخی تصور کنند که زیاد شدن سرمایه صرافان اعتبار آن‌ها را بیشتر می‌کند یا به توانایی آن‌ها می‌افزاید، یا ممکن است بشود مالیات بیشتری از آن‌ها گرفت، شاید هم دلایل دیگری در ذهن کسانی که این مقررات را وضع می‌کنند باشد، که البته آن‌ها... همه اهداف آن‌ها، خیر است. ولی حقیر به عنوان یک ریش سفید که کاملاً در جریان تحولات بازار ارز ظرف ۴۰، ۵۰ سال اخیر بوده‌ام می‌خواهم عرض کنم که این جور تصمیمات خطا محسوب می‌شود و اثرات و ثمرات زیان‌باری برای اقتصاد کشور و بازار ارز دارد و همچنین مردم که مصرف‌کننده نهایی هستند، از این فشارها صدمه خواهند دید.

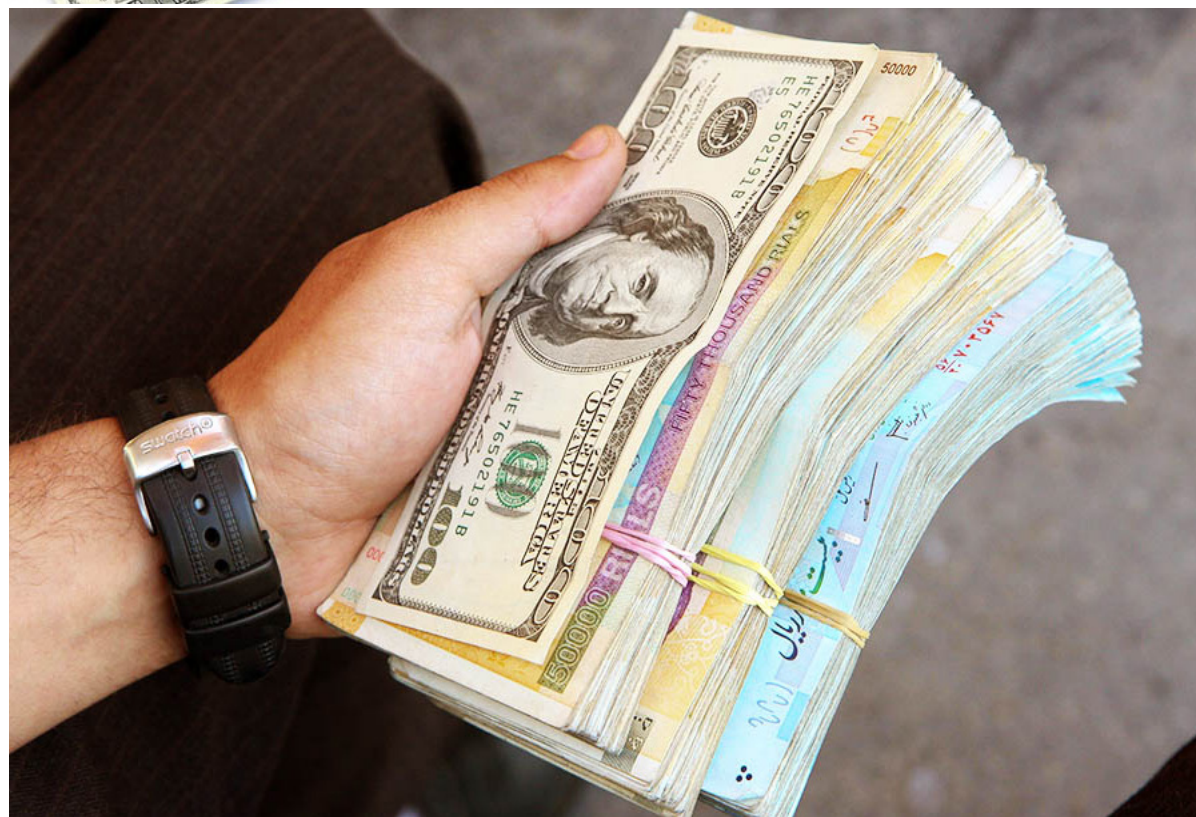
سوال اینجاست، که به هر حال صرافی هم یک شغل است مانند بقیه شغل‌های دیگر، آیا برای دادن مجوز فعالیت به شغل‌های دیگر حداقل سرمایه تعیین می‌شود؟

آیا یک بقال، یک طلافروش، یک کارخانه اتومبیل‌سازی، یک کارگاه میل‌سازی، یک شرکت برج‌سازی، ملزم هستند برای گرفتن مجوز حداقل سرمایه‌ای را احراز کنند؟

ممکن است گفته شود، به هر حال شما برای حواله کردن، پول مردم را می‌گیرید و چند روز طول می‌کشد که حواله آن‌ها برسد، جواب این است مگر طلافروش برای ساخت طلا و جواهر بخشی از پول را جلوتر نمی‌گیرد؟ مگر میل‌ساز یا ساختمان‌ساز، یا در و پنجره‌ساز، پول پیش از مردم نمی‌گیرند؟ چطور هیچ‌یک از آن‌ها نباید سرمایه ثبتي مشخصی داشته باشند ولی نوبت به صرافان که می‌رسد این‌طور سخت‌گیری‌ها ایجاد می‌شود؟

شاید گفته شود، در دولت قبل هم این مسئله بوده و ما هم کار آن‌ها را ادامه می‌دهیم، خوب آیا اگر یک کار اشتباه قبلاً انجام شده، تا ابد باید ادامه یابد؟ یا بهتر است روند منطقی و عادلانه شود؟

سخت‌گیری در دادن مجوز، یا عدم تمدید مجوزهای قدیمی، در قدم اول باعث می‌شود که تعداد صرافان در شهرهای مختلف کمتر شوند، و یا لاقال صرافان قدیمی و معتبر و با تجربه جای خود را به عده‌ای تازه‌کار بدهند و کار در دست تعداد محدودی از صرافان با سرمایه‌های بالا بیفتد و اگر آن تعداد باقی‌مانده بخواهند حاشیه سود خود را بالا ببرند دستشان باز تر خواهد بود و بنابراین به مردم فشار بیشتری خواهد آمد. مسئله دیگر اینکه وقتی می‌گوییم، سرمایه صرافان مثلاً ۱۰ میلیارد





● آدرس: تهران - خیابان مطهری - خیابان میر عماد - کوچه نهم - پلاک ۳ - واحد ۴
● تلفن: ۸۶۰۴۳۱۱۲
● چاپ: نقش افست گرافیک
● پست الکترونیک: ayatemandegar@yahoo.com

● صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد آیتی
● سردبیر: امیر حسین مصلی
● مدیر هنری: عالیه اعتمادیان
● وب سایت: www.ayatemandegar.ir

سرمقاله

آیا می توانیم واشنگتن را شکست خورده تلقی کنیم؟

نگاه تقلیل گرایانه به سیاست است اگر بپنداریم دولت‌ها از یکدیگر تبعیت می‌کنند. دولت‌های مختلف براساس



اوزانی که در نظام بین‌الملل دارند می‌توانند بر نظم بین‌المللی تأثیر بگذارند.

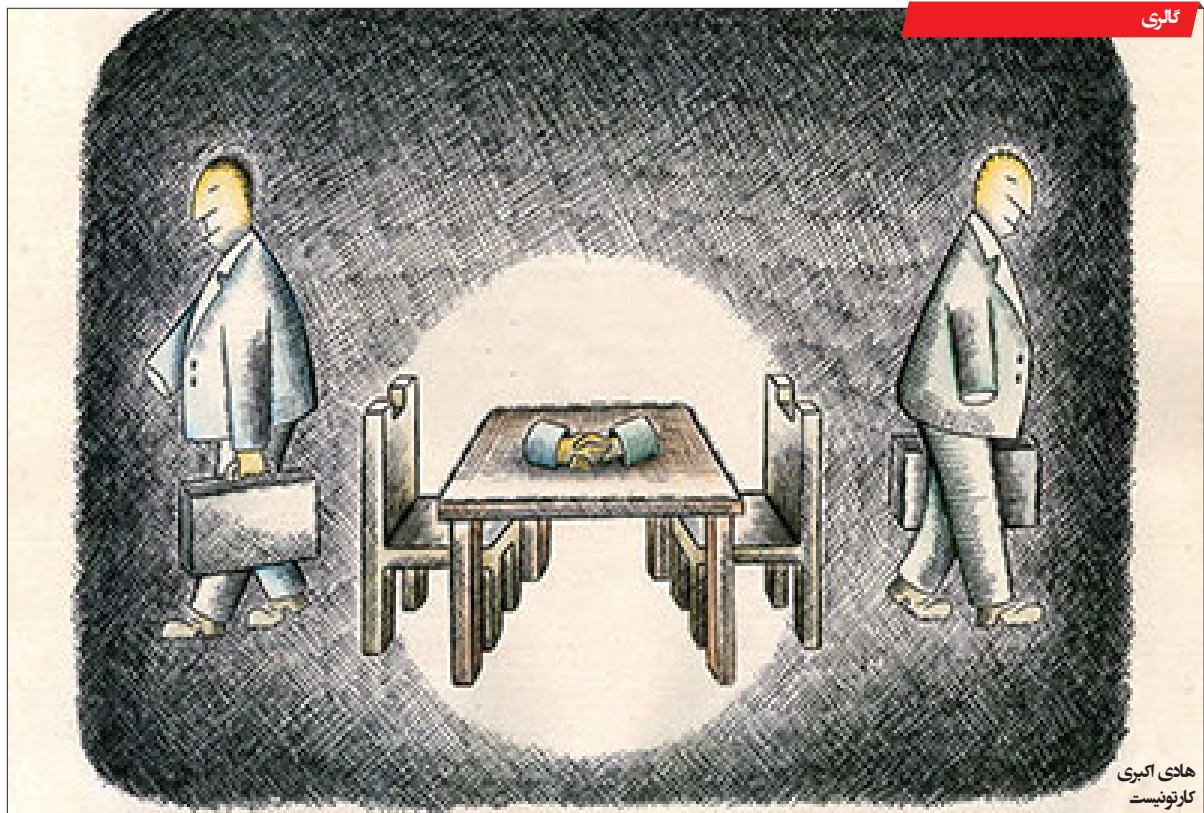
در این راستا بر قدرتی مانند ایالات متحده آمریکا نیز قادر نیست تا تمام سیاست‌های خود را عملی کند. اینکه بگوییم که دولت جدید انگلیس از آمریکا تبعیت می‌کند یا آمریکا هر چه که بخواهد انجام می‌دهد و ایران نیز قادر است تا نظم بین‌المللی را برهم بزند گزاره‌هایی است که در نگاه اول می‌تواند برای برخی موجه باشد، اما مستدل نیست. آن چه مشخص است این است که دولت انگلستان به دنبال بهره‌گیری از فرصت‌ها در نظام بین‌الملل است تا بتواند منافعتش را تامین کند.

اکنون نیز بوریس جانسون در انگلستان به قدرت رسیده است. وی در این راستا توانسته خود را به عنوان یک کارآفرین سیاسی معرفی کند. با وجود فراز و نشیب‌هایی که او در رده‌های مختلفی چون روزنامه‌نگاری، نماینده مجلس، شهرداری و وزارت خارجه داشت، اکنون نخست‌وزیر شده است. از طرفی دیگر می‌بینیم که در آمریکا نیز فرد تاجری چون ترامپ سکان ریاست‌جمهوری آمریکا را به دست می‌گیرد تا نوعی عاملیت مشابه با یکدیگر را در عرصه افکار عمومی نشان دهد. این عاملیت‌های مشابه حتی در جنبه‌های ظاهری و فیزیکی هم نزدیک به هم هستند و می‌بینیم که رویکرد سیاسی آنان در برخورد با افکار عمومی و همچنین حرکاتشان به چه نحوی است. در ادبیات سیاسی و همین‌طور در بین کلاسیک‌ها در عرصه سیاست، این گونه از رفتارها چندان قابل پذیرش نیست. پیش‌بینی می‌شود که ترامپ و جانسون با همگرایی، روابط نزدیکی را تشکیل دهند؛ همان‌طور که ما در حافظه تاریخی‌مان رویکرد رضاشاه و آتاترک را در ایران و در جلب یکدیگر شاهد بوده‌ایم که در تاریخ نیز مندرج است.

در زمینه ائتلاف دریایی باید توجه داشت که موفقیت، امری نسبی است. ما در نگرش هستی‌شناسانه در ایران حتی در عرصه سیاست همه موارد را یا به صورت صفر و یا یک می‌بینیم. اگر از موفقیت هم صحبت می‌کنیم منظور این است که کنش‌گر باید به تمام اهدافش در حد عالی دست پیدا کند، اما در جهان واقعیت‌ها و هستی‌شناسی نگرش غربی آن چه که موفقیت را شکل می‌دهد رسیدن به میزان قابل قبولی از اهداف و سرمایه‌گذاری است که انجام می‌شود. به نظر می‌رسد که آمریکایی‌ها در سرمایه‌گذاری جهت حضور در منطقه به میزان مناسبی از اهدافشان دست یافته‌اند. آمریکایی که برای ایجاد یک پایگاه در آسیای شرقی با مخالفت‌های پی در پی ژاپن و کشورهای دیگر آسیای شرقی و جنوب شرقی روبرو بوده‌اند، امروز در آسیای غربی و جنوب غربی چندین پایگاه را مستقر کرده‌اند و در این راستا قراردادهای امنیتی درازمدت با کشورهایی چون عراق و دیگر کشورهای منطقه بسته‌اند و شاهد هیچ‌گونه مخالفتی برای ایجاد پایگاه و حضور نظامیشان در منطقه نیستند و حتی دعوت برخی از کشورها را برای استقرار امنیت در منطقه را پشتوانه حضور خود کرده‌اند. پرسش اصلی اینجاست که با توجه به نگرش‌های سیاسی در ایران و همچنین منطقه و با توجه به موارد ذکر شده آیا ما می‌توانیم آمریکایی‌ها را شکست خورده تلقی کنیم؟



نثری



هدای اکبری
کارتونیست

یادواره

به بهانه سالروز کودتا علیه دولت دکتر محمد مصدق

ننگ ۲۸ مرداد

کودتای ۲۸ مرداد، کودتایی است که با طرح و حمایت مالی و اجرایی سازمان مخفی اطلاعات بریتانیا و آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا، سیا بر ضد دولت محمد مصدق در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به انجام رسید و در پی موفقیت کودتا و سقوط کابینه دوم دولت ملی دکتر مصدق، سرلشکر



فضل... زاهدی عهده‌دار تشکیل کابینه جدید شد. از نخستین دقایق صبح روز ۲۹ مرداد ۱۳۳۲ مامورین فرمانداری نظامی، رکن دوم و اداره کل شهربانی دست به بازداشت عده زیادی از همکاران محمد مصدق، اعضاء جبهه ملی، نمایندگان مستعفی و روزنامه‌نگاران و اعضاء حزب توده زدند. از طرف سرلشکر فضل... زاهدی اعلامیه‌ای صادر و متذکر شد «در حفظ جان دکتر مصدق از هیچ‌گونه اقدامی کوتاهی نخواهد شد. از این رو مقتضی است ظرف ۲۴ ساعت خود را به شهربانی معرفی نمایید.» زاهدی فرمانده کودتا به محمدرضا شاه تلگرافی زد و از وی خواست تا به ایران بازگردد، شاه نیز در جواب فضل... زاهدی اعلام کرد بی‌درنگ به ایران بازمی‌گردد.

در روز ۲۹ مرداد ۱۳۳۲ در تمام شهرهای ایران حکومت نظامی برقرار شد. پس از کودتا سرلشکر زاهدی امور دولت را در دست گرفت. دکتر مصدق در روز ۲۹ مرداد خود را به زاهدی تسلیم کرد و بازداشت شد. فرمانداری نظامی به ریاست سرتیپ تیمور بختیار به تعقیب و دستگیری و شکنجه مخالفان پرداخت. مذاکرات نفت با شرکت نفت ایران و انگلیس و چند شرکت آمریکایی و اروپایی شروع شد که در آخر به قرارداد کنسرسیوم منجر شد. کمک‌های مالی آمریکا به دولت ایران رسید و در تقویت حکومت تازه پهلوی موثر افتاد.

شعرخوانی

من نگویم که مرا از قفس آزاد کنید
قسمم برده به باغی و دلم شاد کنید
فصل گل می‌گذرد هم نفسان بهر خدا
بنشینید به باغی و مرا یاد کنید
عندلیبان! گل سوری به چمن کرد ورود
بهر شاباش قدومش همه فریاد کنید
یاد از این مرغ گرفتار کنید ای مرغان
چون تماشای گل و لاله و شمشاد کنید
هر که دارد ز شما مرغ اسیری به قفس

برده در باغ و به یاد منش آزاد کنید
آشیان من بیچاره اگر سوخت چه باک
فکر ویران شدن خانه صیاد کنید
شمع اگر کشته شد از باد مدارید عجب
یاد پروانه هستی شده بر باد کنید
بیستون بر سر راه است مباد از شیرین
خبری گفته و غمگین دل فرهاد کنید
جور و بیداد کند عمر جوانان کوتاه
ای بزرگان وطن بهر خدا داد کنید

گر شد از جور شما خانه موری ویران
خانه خویش محالست که آباد کنید
کنج ویرانه زندان شد اگر سهم بهار
شکر آزادی و آن گنج خداداد کنید
ملک الشعراء بهار

